

······ ···
······
" ü ······



Archiv

موسسه آموزشی و پژوهشی دکتر محمد علی باهنر
موسسه تخصصی زبان و آموزش زبان
موسسه تخصصی زبان و آموزش زبان
موسسه تخصصی زبان و آموزش زبان

هسته که سحرش و کاشی که در شام	ش و کس نیست سحر از دل و از سینه
اما عازم را برادش من سحر شود	عاب مش سبب باز اول مش شود
اما کینه بی انت هر سینه لبش شود	دل با زلف مشکین نده سلطان بران
با کوشش مشک من آب و عرق شود	شهر که کرم برت آب بودیم چشم
و آنک سر زاده بر او عاقبت سرور شود	آنک سر کوی سیرا سرتیا در بران

در خلاصه تعالی تلافی و چ

برای فای پرده ز غیرت درین اند	آن که ما را بحال تو درین اند
آیند پس بر رخ زلفت طبع اند	و وسیع و شاه اند و صانع صفای اول
جا که کشید اند و بنفشه رسید اند	از دست ساقیان محبت ز بجزو که
کوی که کشید از زمین کین اند	از سبزه و و گل بان گلکش کرد اند
بر رخ مدعی مس سال آرمین اند	و با بارش طرب و مش و سیر و واز
کین رو گفت اند کزین به زمین اند	اودین اندیب ز همان بافتن
بر رخ سپهر برین چون هدیه اند	شبا رتق امجری کرد مسبر
نزد آن من نخت برت برین اند	شست کان بر که ز جامه شود و برودن

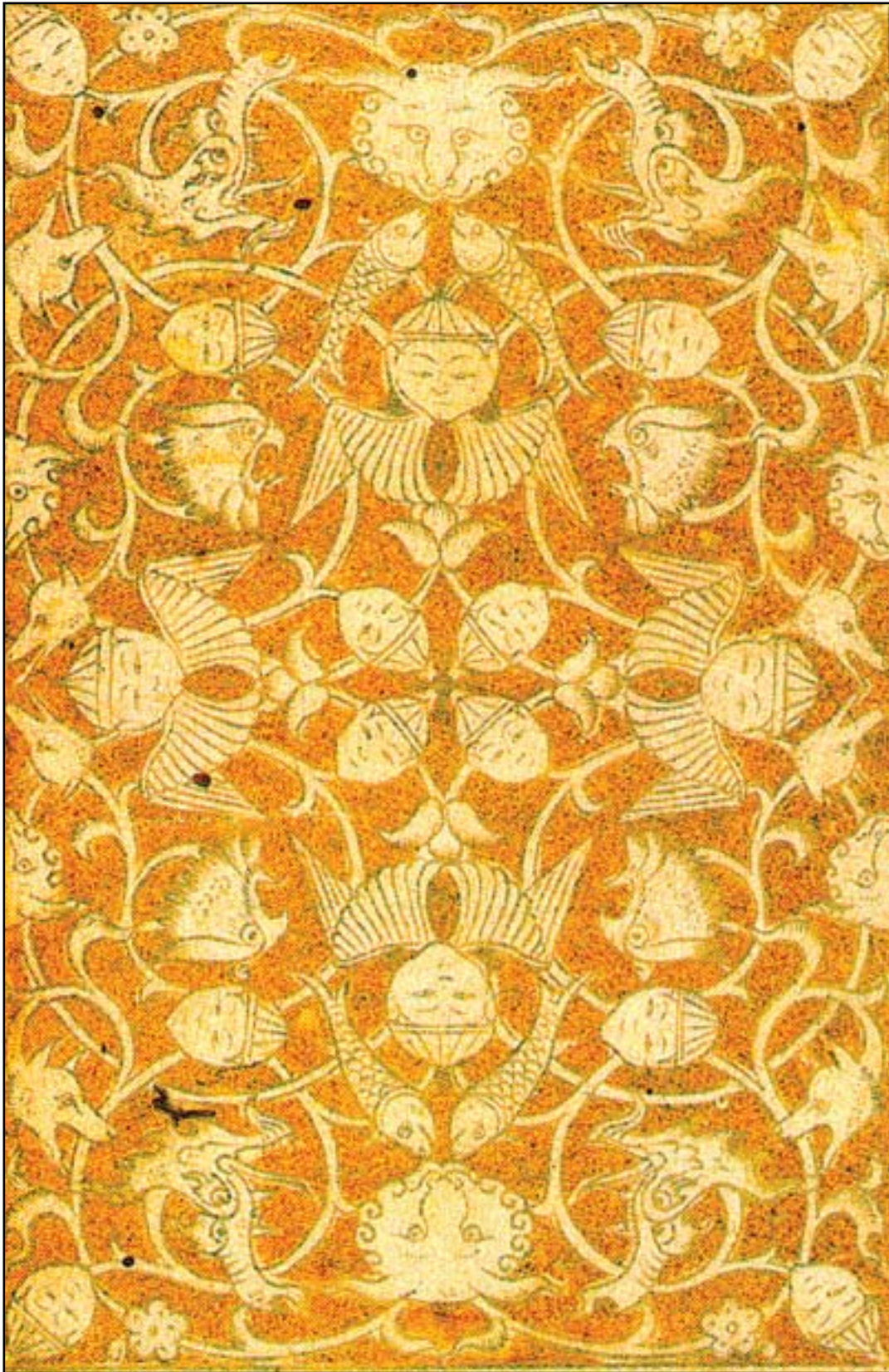
······ ···
ü ······ ü ü ···
" # ······ ü ···



ü
#



: ü : : : ð



رنگینا، فرش تبریز، قرن ۱۹

Archive of SID



! ü
"
" ü
"
"
"
(. . .)



